

## نه اندر نه آمد سه اندر چهار

$$(9 \times 9) + (3 \times 4) = 93$$

سید محمدعلی جمالزاده

چکیده: فردوسی بیٹی در هجو محمود دارد که بخل او را می‌رساند. تفسیر آن هجو مربوط به انگشتان دست است که آن را حساب العقود می‌گفتند. آن نوع محاسبه هنوز هم در بعضی جاها در میان مردم رایج است. در مقاله بیت فردوسی از راه حساب العقود به دست داده شده است.

کلیدواژه: حساب العقود، شاهنامه فردوسی، هجو محمود.

مشهور است وقتی فردوسی از سلطان محمود غزنوی آزرده و مایوس گردید، قصیده‌ای در هجو او ساخت که یک بیت آن از این قرار است:

نه اندر نه آمد سه اندر چهار      کف دست محمود والاتبار

در بین مفسرین و ارباب تحقیق اتفاق حاصل است که مقصود از این بیت بیان بخل و امساک سلطان محمود بوده است، ولی چون عموماً با آنکه می‌دانند تفسیر این بیت مربوط به انگشت‌های دست است، درست از کیفیت این تفسیر اطلاع جامع و

صحیحی در دست نیست. ذیلاً در این باب توضیحاتی داده می‌شود.<sup>۱</sup>

تفسیر بیت مزبور مربوط به علمی است که به «حساب العقود» یعنی حساب با انگشت‌های دست و یا با بندها و مفاصل انگشت‌های دست معروف است. این علم از قدیم الایام در اغلب ممالک شرق و غرب بین مردم و مخصوصاً اشخاص با فضل و اطلاع و اهل معامله متداول و معمول بوده و هنوز هم بعضی از انواع آن در نقاط مختلفه از کره ارض کم و بیش رواجی دارد، چنانکه در جزایر بحرین مثلاً امروز هم در موقع معاملات مروارید اغلب طرفین روبه روی هم نشسته، دست راست یکدیگر را گرفته با دست چپ دامن قبا و یا دستمالی را روی آن انداخته و معامله و چانه زدن را به وسیله لمس و فشار انگشت‌های طرف معمول می‌دارند به طوری که جریان به کلی بر حصار مجهول می‌ماند. عملاً حساب العقود دارای سه طریقه است: طریقه اول که در فوق بدان اشاره شد و عموماً در زیر پارچه و مستور از نظر حصار به عمل می‌آید، از قرار ذیل است:

گرفتن سیبانه طرف دلالت بر عدد ۱ دارد

گرفتن سیبانه و وسطی دلالت بر عدد ۲ دارد.

گرفتن سیبانه و وسطی و بنصر دلالت بر عدد ۳ دارد.

گرفتن هر چهار انگشت بدون شست دلالت بر عدد ۴ دارد.

گرفتن هر پنج انگشت دلالت بر عدد ۵ دارد.

گرفتن دو بار سیبانه و وسطی و بنصر دلالت بر عدد ۶ دارد

۱. کلیه مطالب این مقاله مأخوذ از مقاله نفیس مفصلی است که با عنوان «طریق قدیمه انگشت‌شماری در مشرق و مغرب»، به زبان فرانسه به قلم مسیو لوموان در مجله «تحقیقات اسلامی» به طبع رسیده است. اشخاصی که طالب اطلاعات بیشتر و جامع‌تری در این باب می‌باشند، بدان مقاله مراجعه فرمایند:

J. G. Lemoine: Les anciens procedes de Calcul sur les doigts en Orient et en Occident, (Bevue des Etudes Islamiques; Annee 1932 Cahier1)

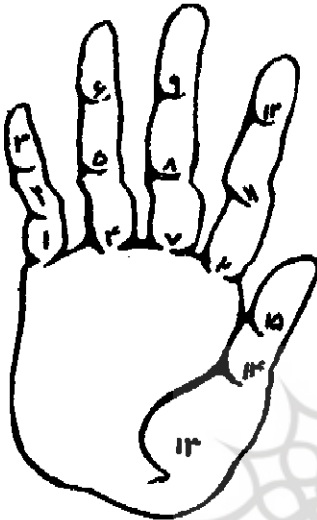
گرفتن یک بار چهار انگشت (۴) و یک بار سه انگشت (۳) دلالت بر عدد ۷ دارد.  
 گرفتن دو بار چهار انگشت بدون شست دلالت بر عدد ۸ دارد.  
 گرفتن یک بار چهار انگشت بلند و یک بار هر پنج انگشت دلالت بر عدد ۹ دارد.  
 برای اِشعار عدد ده و صد و هزار فشار دادن سَبابه تنها کافی است و طرف بر حسب  
 اهمّیت معامله شخصاً استنباط خواهد کرد که نیت طرف آحاد و عشرات و یا مآت و  
 الوف است و هكذا گرفتن سَبابه و انگشت وسطی معاً که عدد ۲ را می‌رسانیده بر ۲۰ و  
 ۲۰۰ و ۲۰۰۰ نیز بر حسب اهمّیت معامله دلالت می‌کند و به همین طور برای سایر  
 اعداد از عشرات و مآت و الوف.

این طریقه در سرحدّات مغولستان هم به همین ترتیب معمول است با تفاوت آنکه  
 گرفتن شست و انگشت معاً علامت ۶۰ می‌باشد و قرار دادن شست در کف دست  
 طرف دلالت بر ۷۰ و شست و سَبابه معاً دلالت بر ۸۰ و مالیدن شست و سَبابه را با  
 اوّلین انگشت طرف (شاید مقصود انگشت سَبابه باشد) دلالت بر ۹۰ دارد.

خلاصه آنکه تقریباً در تمام ممالک اسلامی این ترتیب انگشت شماری که با سَبابه  
 دست راست شروع می‌شود، معمول است و نکته قابل توجّه این است که شروع به  
 انگشت شماری با سَبابه که در مغولستان و ژاپن هم رایج است، در بین اقوام هند و  
 اروپایی مجهول است و این اقوام یعنی هندی‌ها و اروپایی‌ها در امر انگشت شماری، بر  
 خلاف ممالک اسلامی و مغولستان و ژاپن، همیشه با شست شروع می‌کنند و از  
 آنجایی که در علم نژادشناسی اصل اقوام شامی هنوز معلوم نشده، علمای این علم  
 امیدوارند که همین تفاوت و اختلافی که در انگشت شماری در بین ملل مختلفه موجود  
 است، در آتیه یکی از اسباب کشف حقیقت در باب اصل اقوام مزبور گردد.

در باب اصل و منشأ این طریقه انگشت‌شماری نیز عقیده‌ای که قطعی باشد در  
 دست نیست و نمی‌توان گفت که از کدام مملکت و قومی به جاهای دیگر و بین اقوام  
 مختلفه شیوع پیدا نموده است و همین قدر هست که به طور اطمینان می‌توان ادعا نمود

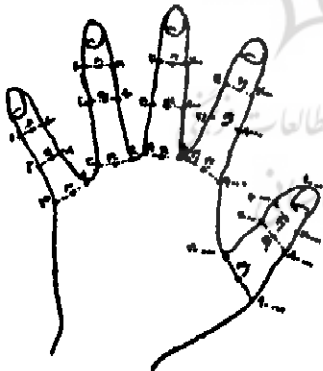
که چون در هیچ یک از ممالک افریقا تاکنون اثری از این طریقه دیده نشده است، اصل و منشأ آن در اقلیم افریقا نیست.



(صورت اول)

طریقه دوم «حساب العقوده» عبارت است از شمارش به وسیله بندهای انگشتان چنانکه مثلاً در هندوستان و مخصوصاً در بنگاله هنوز هم مرسوم است.

بر طبق این طریقه بند پائین انگشت کوچک دلالت دارد بر یک و بند دوم بر دو و بند سوم بر سه و بند پائین بنصر بر چهار و بند دوم آن انگشت بر پنج و بند سوم بر شش و قس علی هذا سایر بندها به قرار صورت مقابل.



(صورت دوم)

در چین و هندوچین اساس انگشت شماری در این طریقه مفاصل است نه بندها (در صورتی که بند را عبارت از یکی از قسمت‌های سه گانه انگشت بدانیم نه فواصل بین آنها را) و فقط به وسیله مفاصل انگشت‌های یک دست می‌توانند از یک الی صدهزار را بشمارند به قرار صورت مقابل:

مستشرق معروف سیلوستر دو ساسی

در مقاله‌ای که در همین موضوع یعنی حساب العقد در مجله «ژورنال آسیاتیک»<sup>۱</sup> مندرج

1. Silvestre de Sacy (Journal Asiatique 1ere Serie, Aout 1828. P.65.

داشته بین این طریقه دوم و طریقه اول تمیز نداده و هر دو را یکی دانسته، در صورتی که حقیقت امر بر خلاف این است.

در ممالک اسلامی درست معلوم نیست که در «حساب العقود» بند انگشت‌ها را به زبان فرانسوی «فالانز» و به عربی عموماً «انامل» می‌گویند، اساس شمارش قرار می‌دادند یا مفاصل بین بندها را و یا اینکه اصلاً العقود اسم مصدر و به معنی تا کردن انگشت‌ها است که در طریقه سوم انگشت شماری چنان که در ذیل خواهیم دید، معمول است. طریقه سوم در «حساب العقود» که در واقع موضوع این مقاله است عبارت می‌باشد از صور و اشکالی که به وسیله تا کردن و یا نیمه تا کردن انگشتان دست راست یا چپ و الصاق سر انگشت سبابه به انگشت ابهام (در بعضی موارد) حاصل می‌گردد و هر یک از آن صور و اشکال دلالت دارد بر عددی از اعداد از یک تا ده هزار (بر طبق اسناد مشرقی) و از یک الی یک میلیون (بر طبق اسناد اروپائی).

قدیمی‌ترین تفصیل کلی که در خصوص این طریقه سوم در دست می‌باشد، در کتابی است به زبان لاتینی<sup>۱</sup> که مؤلف آن در نیمه دوم قرن ششم و نیمه اول قرن هفتم میلادی، یعنی در حدود یک هزار و سیصد سال پیش از این حیات داشته است. اما در خصوص جزئیات آن یعنی کیفیت صور و اشکال انگشتان اسناد متعددی موجود است که قدیمی‌ترین آنها اروپایی و متأخرترین آنها فارسی است. سند اروپایی عبارت می‌باشد از فصلی که تحت عنوان «در طریق حساب کردن و سخن راندن به وسیله انگشتان» در یک کتاب لاتینی موسوم به «در اندازه گرفتن اوقات» از تألیفات یکی از روحانیون مسیحی از اهالی اکوس (در انگلستان کنونی) موسوم به بد<sup>۲</sup> موجود است و اینک قریب یک هزار و دویست و پنجاه سال از تاریخ تألیف آن گذشته است. سند

1. Isidore de Seville (560-680): Liber etymologiarum.

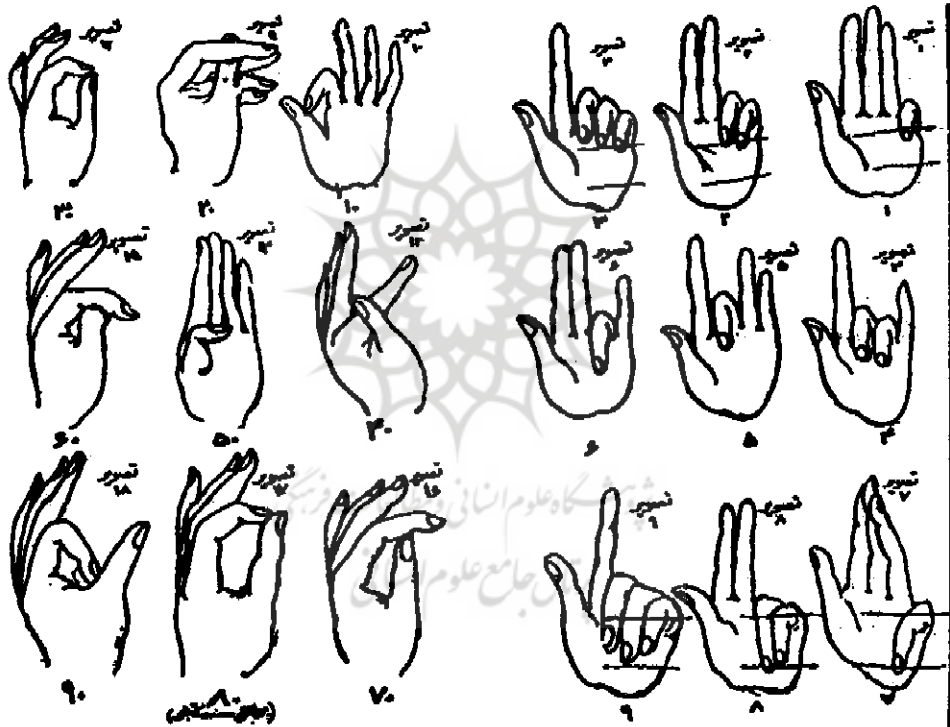
2. Bede (675-735): De Temporum Ratione.

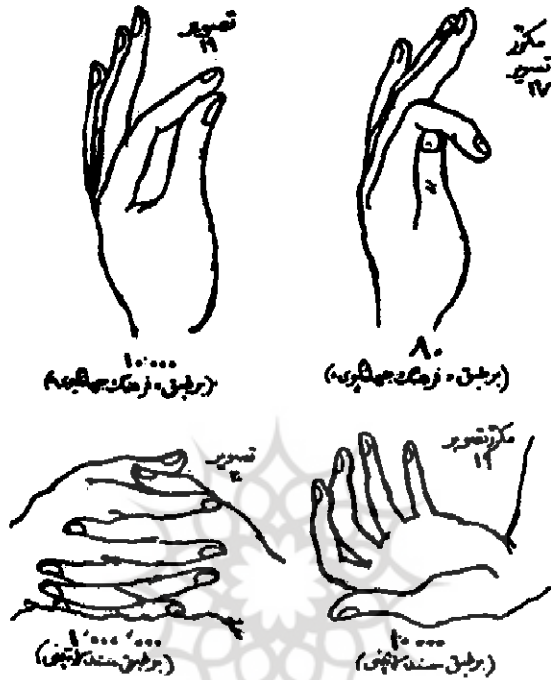
فارسی همانا «فرهنگ جهانگیری» مشهور است که گرچه در حدود نهصد سال بعد از کتاب لاتینی مذکور در فوق تألیف یافته، معیناً مندرجات آن در باب طریقه سوم «حساب العقود» با تفصیلاتی که در آن کتاب لاتین موجود است، تقریباً مطابقت کامل دارد جز اینکه در «فرهنگ جهانگیری» شرح اشکال و صور انگشتان مربوط است به شمارش از یک تا ده هزار، در صورتی که در کتاب لاتینی مزبور تا به یک میلیون هم می‌رسد، چنان که در فوق بدان اشاره شده است.

اینک بر طبق دو سند مزبور و اشکالی که دلالت بر اعداد مختلفه دارد، پرداخته تصاویری را که هر کدام دلالت بر عددی دارد، ذیلاً ترسیم می‌نمائیم.<sup>۱</sup> در این مورد تذکراً خاطر نشان می‌گردد که از تصاویر بیست‌گانه ذیل ۱۸ تصویر اول از روی تفصیلات و بیاناتی که در «فرهنگ جهانگیری» و در کتاب لاتینی سابق الذکر تألیف بد سوبه مذکور آمده، ترسیم شده است در صورتی که تصویر ۱۹ از روی تفصیلات «فرهنگ جهانگیری» تنها و تصویر ۲۰ و هکذا مکررات تصویر ۱۷ و تصویر ۱۹ بر طبق تفصیلات همان کتاب لاتینی مزبور تنها ترسیم شده است و نکته شگفت آنکه گرچه از این دو کتاب یکی در مشرق و دیگری در مغرب تألیف یافته و در واقع یک دنیایی فاصله بین آنها است و زماناً نیز «فرهنگ جهانگیری» در حدود نهصد سال پس از آن کتاب لاتینی نوشته شده، معیناً تفصیلاتی که در این دو کتاب در خصوص صور و اشکال مذکوره در فوق ذکر شده، گرچه لفظاً مختلف است ولی از حیث فحوی و معنی کاملاً مطابق است و به استثنای پاره‌ای اختلافات درباره فقط یک صورت (تصویر ۱۹) تفاوتی در بین نیست جز اینکه کتاب لاتینی درباره اعداد بالاتر از ۱۰۰۰۰۰ هم تا به

۱. کتبه تصاویر این مقاله نیز از روی تصاویری ترسیم شده که به اهتمام مخصوص میو لوموان صاحب مقاله فاضلاته‌ای که در اول این مقاله بدان اشاره شده کشیده شده و در ضمن مقاله در «مجله تحقیقات اسلامی» با تفصیلات جداگانه در باب هر تصویری به طبع رسیده است.

یک میلیون متضمن معلوماتی می باشد که فرهنگ جهانگیری فاقد آنها است. اینک تصاویر بیست گانه:





در تصاویر فوق ۹ تصویر اول دلالت دارد بر آحاد از یک تا نه. تصاویر ۱۰ تا ۱۸ دلالت دارد به عشرات از ده تا نود. تصویر ۱۹ دلالت دارد بر ده هزار و تصویر ۲۰ بر یک میلیون. نکته مهمی که باید مورد توجه قرار داد، این است که در تمام این اعداد و تصاویری که دلالت بر آنها دارد، مندرجات «فرهنگ جهانگیری» با کتاب لاتینی تألیف بد مطابقت دارد (به استثنای تصویر ۱۷) و فقط در عدد ده هزار بین دو سند مزبور اختلافی موجود است، چنانکه از ملاحظه تصویر ۱۹ و مکرر آن معلوم خواهد شد. به علاوه چنانکه در پیش مذکور گردیده، کتاب لاتینی تفصیلاتی نیز در باب اعداد مافوق بر ده هزار دارد که در «فرهنگ جهانگیری» نیست ولی یک اختلافی در بین دو طریقه غربی (کتاب لاتینی) و شرقی (فرهنگ جهانگیری) موجود است که کمال اهمیّت را دارد گرچه در واقع جزئی و بسته به اراده واضع است و آن اختلاف عبارت از این است



که بر طبق کتاب لاتینی مزبور آحاد و عشرات به وسیله اشکال دست چپ نشان داده می شود و مآت و آلف (تا ۹۰۰۰) با دست راست، در صورتی که در طریقه شرقی برخلاف آحاد و عشرات به وسیله دست راست نشان داده می شود و مآت و آلف (تا ۱۰۰۰۰) با دست چپ. تصاویری که در این مقاله ترسیم شده، دست چپ را نشان می دهد یعنی بر طبق طریقه اروپایی ترسیم شده ولی در خود اشکال تفاوتی نیست. ولی بر حسب اینکه شکلی را با دست راست یا چپ نشان بدهیم، مقدار آن تغییر می کند یعنی بنا بر طریقه اروپایی صوری که با دست چپ دلالت بر یک تانه می کند، با دست راست دلالت خواهد داشت بر یکصد تا نهصد و صوری که با همان دست چپ دلالت بر ده تانود می کند، با دست راست دلالت خواهد داشت بر یکهزار الی نه هزار در صورتی که در طریقه شرقی برخلاف است، یعنی صوری که با دست راست دلالت بر آحاد و عشرات دارد، با دست چپ دلالت بر مآت و آلف خواهد نمود به قرار ذیل:

تصاویر ۱ تا ۹ دلالت خواهد داشت بر ۱۰۰۰ تا ۹۰۰۰

تصاویر ۱۰ تا ۱۸ دلالت خواهد داشت بر ۱۰۰ تا ۹۰۰

به علاوه در طریقه اروپایی برای اعداد مافوق ده هزار تا یک میلیون نیز صور و اشکالی هست که در طریقه شرقی نمی باشد و یا اگر هم وجود داشته، فعلاً معروف نیست و به هر حیث در «فرهنگ جهانگیری» ذکر از آن نشده است.

در طریقه اروپایی برای ۲۰۰۰۰ باید دست چپ را روی سینه گذاشته و انگشتها را از هم باز نمود. برای ۳۰۰۰۰ همان دست چپ را راست به روی سینه باید گذاشت به طوری که انگشت ابهام به روی سینه چسبیده و سایر انگشتها و دست به طرف بیرون و جلو باشد. برای ۴۰۰۰۰ دست چپ را باید به طرف ناف پایین برده و طوری گردانید که کف دست به طرف زمین نگاه کند. برای ۵۰۰۰۰ باید همانطور که دست در جلوی ناف پایین برده شده و کف آن به طرف پایین برگشته، انگشت ابهام بر روی ناف گذارده شود. برای ۶۰۰۰۰ باید همان دست چپ را به روی ران چپ پایین برد. برای

۷۰۰۰۰ باید همان طور که دست چپ به روی ران چپ قرار گرفته، کف دست را به طرف زمین باز نمود. برای ۸۰۰۰۰ باید با دست چپ ران چپ را گرفت. برای ۹۰۰۰۰ باید با دست چپ آنگاه را گرفت به طوری که انگشت ابهام به طرف زیر شکم ممتد باشد. برای ۱۰۰۰۰۰ تا ۹۰۰۰۰۰ همین حرکات را باید با دست راست در طرف راست بدن به عمل آورد.

این طریقه سوم «حساب العقود»<sup>۱</sup> در قدیم چه در مشرق زمین و چه در اروپا مابین فضلا و مطلعین رواجی داشته، چنانکه در ادبیات عربی و فارسی و لاتینی، بالخصوص اشارات و کنایاتی موجود است که دلالت صریح بر این معنی دارد و علاوه بر «فرهنگ جهانگیری» و کتاب لاتینی سابق الذکر از تألیفات بد تا سنه ۱۹۳۲ میلادی که تاریخ طبع مقاله مسیو لوموان در «مجله تحقیقات اسلامی» می باشد، پنج تألیف دیگر نیز به زبان یونانی و عربی در این باب در دست بوده است که طالبین برای اطلاع باید به مقاله مزبوره مراجعه نمایند. برحسب تحقیقات علمای فرنگی سند و ماخذ «فرهنگ جهانگیری» نیز در این مورد به احتمال قوی رساله ای بوده به زبان فارسی، از تألیفات شرف الدین علی یزدی، متوفی در سنه ۸۵۰ که حاجی خلیفه نیز در «کشف الظنون» در ماده «علم حساب العقود» بدان اشاره نموده است.<sup>۲</sup> معهذ با وجود آنکه فعلاً اسناد متعددی به زبان های مختلفه، در باب طریقه سوم «حساب و العقود» در دست است، هنوز معلوم نشده که اصل و منشأ آن از کجا است آیا اروپایی است یا آسیایی، از مشرق

۱. به فرانسه Dactylonomie.

۲. مسیو لوموان در مقاله خود تذکر داده که علامه معظم آقای میرزا محمد خان قزوینی در امر جمع آوری اطلاعات برای آن مقاله کمک های ذی قیمتی به مشاوریه نموده و در مورد حاجی خلیفه نیز خاطر نشان فرموده اند که یک قرن قبل از او تاشکپروزاده، از مؤلفین ترک، در کتاب خود موسوم به «مفتاح السعادة» تفصیلاتی در باب «علم حساب العقود» ذکر نموده که حاجی خلیفه تقریباً بدون تغییری از او نقل نموده است.

زمین است یا از هندوستان و چین و مغولستان و ممالک مجاور آنها. همین قدر هست که مسیو لوموان فاضل سابق الذکر در نتیجه تتبعات خود، اطمینان حاصل نموده که بین صور و اشکال دست که بر طبق طریقه سوم «حساب العقود» دلالت بر اعشار دارد و بین ارقام هندی (که اروپایی ها ارقام عربی می خوانند) بلا شک نسبت و رابطه موجود است، یعنی ممکن است که ارقام مزبور از همین صور و اشکال به وجود آمده باشد یا بر عکس صور و اشکال مزبور از روی آن ارقام.

چنان که در فوق اشاره شد، در تألیفات مؤلفین قدیمی اروپا از قبیل سنک، فیلسوف مشهور رومی و آپوله، از علمای معروف افریقا و ژورنال، شاعر معروف که در قرون اول و دوم میلادی می زیسته اند، در باب «حساب العقود» انتشاراتی موجود است که شیوع آن را در آن عهد و ازمنه محقق می دارد. در ممالک اسلامی نیز روئنه انگشت شماری از قدیم الایام معروف بوده است چنان که بعضی از احادیث نبوی صریحاً بر این معنی دلالت دارد از جمله در حدیث آمده که دست حضرت رسول (ص) در موقع تشهد به شکل ۵۵ در می آمده است<sup>۱</sup> که بر طبق تصاویر ۱۴ و ۵ دلالت بر ۵۰ و ۵ دارد. مفسرین تعبیر نموده اند که حضرت به جز دو انگشت بنصر و خنصر، انگشت های دیگر را تا می کرده است.<sup>۲</sup> در «خزینة الادب» نیز حدیث دیگری هست حاکی از اینکه حضرت رسول (ص) در موقع دیگری شکل ۹۰ را با دست خود ساخته (تصویر ۱۸).

ایضاً از ابن سعد (متوفی در سنه ۲۳۰ هجری) روایت است که حدیفة بن سلیمان از اصحاب معروف حضرت رسول در موقع اعلام خیر وفات عثمان بن عفان، با دست خود مثل اینکه عادت عدد ده را (تصویر ۱۰) بخواهند نشان بدهند، ساخته و گفت

۱. مفتاح السعادة، جلد اول، ص ۳۳۰.

۲. به عقیده راقم این سطور ظاهراً عدد پنجاه (تصویر ۱۴) برای شکل دست در موقع تشهد مناسب تر به نظر می آید.

وفات خلیفه برای اسلام حکم روزنه‌ای را دارد (مانند دایره‌ای که در تصویر ۱۰ بین دو انگشت ابهام و سبابه تشکیل می‌یابد) که هیچ کوهی جای خالی آن را پر نخواهد نمود.<sup>۱</sup> خلیل بن احمد مشهور نیز که در قرن پنجم هجری می‌زیسته، در یکی از قطعات خود گفته:<sup>۲</sup>

کفاک لم تخلقا للندی      ولم یک بسخلهما بسدعه  
فکف ثلاثة آلفسها      و تسع مئیهاها شرعه  
و کف عن الخیر مقبوضة      کما نقصت مائة تسعه (ره)<sup>۳</sup>

که در مقام بیان بخل کف دست طرف را ۳۹۰۰ و ۹۱ (۹ - ۱۰۰) خوانده است، هم چنان که فردوسی نیز در بیت معروف که موضوع این مقاله است، یعنی:

کف دست محمود والا تبار      نه اندر نه آمد سه اندر چهار

بخل و اساک سلطان محمود را با عدد ۹۳ رسانده است، چونکه نه بار نه مساوی است با ۸۱ و به علاوه سه بار چهار که ۱۲ می‌شود، ۹۳ است.

در مقامات حریری (مقام ۴۹) نیز در عبارت ذیل:

حکی الحارث بن همام قال بلغنی ان ابا زید حین ناهر القبضة و ابتزه قید الهرم

۱. چون این احادیث از روی ترجمه فرانسوی، همانطور که در مقاله مسیو لوموان نقل شده، به فارسی ترجمه شده و مآخذ عربی در دسترس نبود، به همان ترجمه ساده فارسی قناعت شد.

۲. در مقاله مسیو لوموان فقط ترجمه فرانسوی این اشعار داده شده و خود این قطعه را میرزا محمدخان قزوینی، با چند فقره نفیس دیگر در همین موضوع، در جواب سئوالاتی که از ایشان شده بود، برای راقم این سطور فرستاده و در حل مشکلاتی که برای حقیر در بین بود، همانطور که شیوه مرضیه حضرت معظم له است، کمال بزرگواری را می‌ذول داشته غریق خجالت و امتنانم فرموده‌اند.

۳. در مقاله مسیو لوموان، در ترجمه فرانسوی به جای نه (تسعه)، هفت است (سبعه) که پس از وضع از صد ۹۳ باقی می‌ماند و ظاهراً این مناسب‌تر است.

النهضة...» کنایه مربوط به حساب العقود می باشد و در شرح این موضع از شریسی، شارح معروف مقامات حریری چنین مسطور است.<sup>۱</sup> (ناهد) قارب (القبضة) ارادبها ثلاثاً و تسعين سنة لانك اذا قيل لك اعقد في يدك ثلاثاً و تسعين قبضت اصابعك كلها و شدت عليها الابهام و المعنى انه قارب المائة التي ليس في العيش بعدها منفعة...» که در اینجا نیز اشاره به بستن کف دست شده برای رساندن سن نود و هفت سالگی. علاوه بر فقرات مسطور در فوق که تماماً در مقاله مسیو لوموان ذکر شده، علامه معظم آقای میرزا محمد خان قزوینی، دو فقره دیگر را نیز لطفاً برای حقیر فرستاده اند که عین عبارت مرقومه ایشان در این باب ذیلاً نقل می شود:

«فقره ذیل را هم در یادداشت های خود راجع به عقد اصابع پیدا کردم و ذیلاً برای سرکار می نویسم شاید به کارتان بخورد:

«و مما يستحسن في هذا الباب (ای في الكناية عن البخل) قول ابن طباطبا:

و کتاب حساب ان رمت ملتصاً ما فی یدیه اذا ما جئت مجتديه

اضاف تسعين تقفوها ثلاثها الي ثلاثة آلاف و تسعمایه

و قوله في هذا الكناية:

ان رمت ما فی یدیک مجتدياً و اوجئت اشكو اليك ضيق یدی

عقدت لی بسالیسار اربعة مستقوصة سبعة من العده

(نقل از الكناية و التعريض ثعالی، طبع مصر، ص ۲۷)

«مقصود از قطعه اولی این است که انگشتان دو دست خود را سخت و محکم بسته است، یعنی دستش بسته است و چیزی از آن بیرون نمی آید زیرا که برای عدد ۹۰ سر ناخن سبابه دست راست را بر مفصل دوم عقده ابهام باید گذارد<sup>۲</sup> و برای عدد ۳ باید

۱. شرح مقامات از شریسی طبع مصر، جلد ۲، صفحه ۴۲۷. متن حریری و شرح آن را حضرت آقای میرزا

محمد خان قزوینی برای نگارنده ارسال فرمودند. ۲. تصویر ۱۸.

سه انگشت خنصر و بنصر و وسطی را فرو گرفت<sup>۱</sup> چنان که بین الناس برای شمردن معمول است به طوری که رؤس انامل نزدیک اصول اصابع باشد، پس از مجموع عقد نور و عقد سه شکل دست راست شکل دست کسی می شود که چیزی را سخت و محکم در دست خود پنهان کرده است و چون عقود آحاد در دست راست مطابق با عقود آحاد الوف است در دست راست، یعنی صورتی که در دست راست بر یک یا دو تانه دلالت کند در دست چپ همان صورت دلالت بر یک هزار و دو هزار الی نه هزار کند و نیز چون عقود عشرات در دست راست از ده و بیست الی نود مطابق است با عقود مئات در دست چپ پس صورتی که در دست راست دلالت بر سه می کرد، کما مرّ بیانه در دست چپ دلالت بر سه هزار می کند و صورتی که در دست راست دلالت بر نود می کرد در دست چپ دلالت بر نهصد می کند. پس از مجموع عقد سه هزار و عقد نهصد شکل دست چپ هم بعینه شکل دست راست می شود، یعنی شکل دست کسی که چیزی در دست خود پنهان کرده و سخت و محکم آن را نگاه داشته است و حاصل معنی بیت این می شود که فلانی هر دو دستش را سخت و محکم بسته است و چیزی از آن بیرون نمی آید یعنی بخیل و ممسک است.<sup>۲</sup> و معنی قطعه دوم هم عیناً همین مضمون و همین تصوّر و فکر است که در قطعه اول می باشد، ولی قدری خفی تر و دقیق تر و غامض تر چه عقد اربعه بسیار به معنی هزار است<sup>۳</sup> چنان که گفتیم که صور عقود آحاد در دست راست عین صور عقود آلف است در دست چپ، پس مراد از «عقد اربعه به دست چپ» عقد چهار هزار است و از چهار هزار که هفت عدد کم کنیم، باقی می ماند ۳۹۹۳ که از این مقدار ۳۹۰۰ آن متعلق به دست چپ و ۹۳ آن راجع به

۱. تصویر ۳.

۲. در اینجا آقای میرزا محمد خان قزوینی بین هلالین این عبارت را نوشته اند: (و این همه طول و تفصیل و

پیچ و تاب برای اداه این معنی زیر پا افتاده سهل ساده بسیار متعارفی!)

۳. بر حسب انگشت شماری معمول در بین الناس نه طریقه سوم «حساب العقود» (ج. ز).

دست راست خواهد بود و باز نتیجه همان می شود بعینه مانند قطعه اول که شخص مفروض هر دو دستش را سخت و محکم بسته است و چیزی از آن بیرون نمی آید. بنابراین از کلیه فقرات مذکوره در فوق می توان نتیجه گرفت که عدد ۹۳ کنایه و اشاره به بخل و امساک بوده است و مناسبت آن این است که در علم «حساب العقود» چنان که گذشت، برای نمایاندن این عدد، یعنی ۹۳ با دست راست اول تصویر ۱۸ را که دلالت بر ۹۰ دارد، ساخته و بعد با همان دست تصویر ۳ را که دلالت بر عدد ۳ دارد و از آن جایی که در تصویر ۱۸ سر انگشت سیبانه بر روی شست قرار گرفته، یعنی انگشت سیبانه در واقع بسته شده و در تصویر ۳ سه انگشت دیگر دست یعنی خنصر و بنصر و وسطی بسته می شود. از این رو در مجموع این دو تصویر هر چهار انگشت دست بسته شده و شکل دست بسته ای پدیدار می شود که چیزی را سخت نگاهداشته و نخواهد بیرون دهد و واضح است که دست بسته علامت بخل و امساک است و چون صوری که در دست چپ دلالت بر ۳۹۰۰ دارد در واقع همان صوری است که در دست راست دلالت بر ۹۳ داشت، پس اشاره به ۳۹۰۰ نیز همان مفهوم بخل و امساک را می رساند. این بود تفسیر بیت معروف منسوب به فردوسی که موضوع این مقاله بود و باید دانست که در اشعار شعرای نامی دیگر ایران هم از قبیل سنایی و انوری و خاقانی اشاراتی که دلالت بر «حساب العقود» دارد، موجود است که مسیو لوموان در مقاله خود متذکر گردیده است.

راجع به رواج «حساب العقود» در ممالک اسلامی و قدمت تاریخی آن آقای میرزا محمد خان قزوینی در شرحی که به مسیو لوموان مرقوم داشته اند و مشارالیه در مقاله خود درج نموده و بر طبق آن معلوم می شود که فعلاً در ممالک اسلامی دیگر «حساب العقود» نباید مرسوم باشد و ظاهراً این ترتیب انگشت شماری از آثار از منته بعیده است در وقتی که هنوز ارقام صحیح و کاملی برای محاسبات در میان نبوده است. از جمله آثاری که حاکی از شیوع «حساب العقود» در قدیم الایام می باشد،

مهره‌هایی است از عاج یا از استخوان به شکل مسکوکات معمولی که از عهد روم قدیم باقی مانده و به زبان لاتینی تیسره یا تیسله خوانده می‌شده است. این مهره‌ها اغلب به جای پول به مصرف می‌رسیده و قیمت آنها گاهی با ارقام و گاهی نیز به وسیله تصویر دستی که به واسطهٔ صور و اشکال مرسومه در طریقهٔ سوم «حساب المقوده» اعدادی را نشان می‌دهد، نمایان است. در کتابخانهٔ ملی پاریس مقدار زیادی از این گونه مهره‌ها موجود است که اغلب در مصر پیدا شده و از زمان تسلط روم در آنجا باقی مانده و روی آنها صورت دستی حک شده (دست چپ) که هر کدام دلالت بر عددی دارد چنان که در تصاویر ذیل دیده می‌شود.

